



[دهه] سرخط سنگدانه

+ مصاحبه با امید مهدی نژاد
درباره پایان سه نقطه



رامین زرعی
روزنامه نگار



همین چند روز پیش بود که «امید مهدی نژاد»، مدیرمسئول مجله سه نقطه، در صفحه مجازی خودش اعلام کرد مجله طنز سه نقطه بعد از ۵۱ شماره به پایان رسید و شماره پنجاه و یکم آن با موضوع «پایان» روی دکه‌ها رفت. مکتوب سه نقطه، مجله طنز خوبی بود که به صورت پرونده‌محور در هر شماره به یک موضوع می‌پرداخت و به نوعی برای طنزپردازها خانه امید بود. ما هم به بهانه پایان این مجله وزین، با امید مهدی نژاد گفت‌وگو کردیم تا از پایان برایمان بگوید:

«هنوز خیلی از مخاطباتان فکرمی‌کنند با آن‌ها شوخی کرده‌اید. حالا شوخی بود یا جدی؟»

مهدی نژاد: شوخی در این حد؟! خبر جدی بود و مجله سه نقطه در قالب ماهنامه و به شکل کاغذی دیگر منتشر نمی‌شود.

«چرا پایان؟»

مهدی نژاد: هر آغازی یک پایان دارد. بنظرم سه نقطه کاری را که باید انجام می‌داد انجام داد و شاید ادامه انتشارش چیز بیشتری به کارنامه‌اش اضافه نمی‌کرد.

«سه نقطه چه کاری را انجام داد که باید انجام می‌داد؟»

مهدی نژاد: تصور می‌کنم سه نقطه توانست نوع و شکل دیگری از طنز را که قبلاً سابقه نداشت یا کمتر داشت تعریف کند. طنزی که در زبان و ادبیات اتفاق می‌افتد، سطحش از شوخی‌های دم دست بر مبنای وقایع روزمره فراتر است و وامدار خنده نیست. ضمناً نسلی از نویسندگان را معرفی کرد که خلاقیت‌های کم‌نظیری در خلق ادبیات طنزآمیز دارند.

«مشکلات مالی در این تصمیم تأثیر داشت؟»

مهدی نژاد: معاونت مطبوعاتی همواره به سه نقطه عنایت داشت و سه نقطه از کاغذ حمایتی و یارانه کاغذ بهره‌مند بود و نهاد کتابخانه‌ها هم تیراژ خوبی از سه نقطه را برای کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور خریداری می‌کرد. در زمینه حمایت‌های مرسوم از مطبوعات، سه نقطه اتفاقاً وضع خوبی داشت. اگرچه افزایش هزینه‌ها، از قیمت چاپ و کاغذ گرفته تا هزینه‌های جاری، به رغم این اتفاقات مدام عرصه را تنگ می‌کرد. اما چیزی که موجب این تصمیم شد، فراتر از این قبیل مشکلات بود. چیزی که می‌توانم اسمش را فقدان اهمیت فرهنگ در قیاس دیگر عرصه‌ها بگذارم. مجلات جدی انگار از دایره اهمیت و دایره تأثیر بیرون افتاده‌اند. تبلیغات و رسانه و فضای مجازی، نه فقط مخاطبان، که تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و متولیان فرهنگ را هم مرعوب کرده است. در چنین فضایی، مجله درآوردن کاری عبث و بی‌فایده است. این را بگذارید کنار فضای دوقطبی موجود که از طنز توقع موضع‌گیری صریح سیاسی و داد و فریاد داشتند، که با جنس کار سه نقطه همخوان نبود.

«جای چه موضوعاتی در سه نقطه خالی ماند؟»

«امیدواریم در قدم‌های بعدی‌تان هم مثل سه نقطه موفق باشید.»

یادتونه...؟ آذرماه امسال بود که
ساسان حیدری (ساسی مانکن) یک
موسیقی که اصلاحیافته و آژیه موسیقی،
یک زیاله ریتمیک دیگر منتشر کرد و
این بار عموپورنگ بود که در مقابل
اراجیف او هوای بچه‌ها را داشت.



مجازات ساسی

شد مدال صلح من چون توی بوق
می‌تراود از وجودم هی نبوغ

هم تبارم با مجاهد‌های خلق
حرفم از حق بشر، دارد وثوق

حبس هستم با دلیلی بی‌خودی
چون براندازی و گاهی نق و نوق

هم زبانم را بریدند از قفا
هم کشیدند از تنم کل عروق

چاق و بدهیكل، شکسته پا و دست
بی‌غذا و آب مُردم زیر یوغ

می‌زند فریاد حال و روزم از
این رژیم دیو سر تا پا دروغ

می‌نویسم نامه‌ای با خط خوش
ای سوئد! ای چشمم از تو پر فروغ!

حق آزادی انسان فاحش است
خوش به حال غرب و این حد بلوغ

صلح یعنی سازش بی‌دغدغه
بوده اشغال و ترور از عهد بوق

هرکجا تفسیری از حق دفاع
این جنایت می‌شود، آن تق و توق

آنکه با ما نیست مشکل از وی است
نیست زندان ابد ضد حقوق

انفرادی با شکنجه جایز است
دیگران کردند بیهوده شلوع

حق حقیقت نیست، اطلاعات ماست
ماست نه! شل‌تر، بفرمایید دوع

هرکه این‌ها را نمی‌فهمد خر است!
انتهای نامه دارد چند بوق...

با مدال صلح مصلوب نوبل
پاک جرواجر شده حق و حقوق